

فیلم‌های گروگان‌گیری
پس عروسیش کو؟



علیرضا محمودی

در ساختار چرخه‌ای تولید در سینمای ایران هر فیلمی قبل از خودش ادامه فیلم موفق قبلی است. با همین رویکرد بسیاری از موقعیت‌های داستانی و تیپ‌های شخصیتی در فیلم‌های فارسی به شکل ازلی و ابدی تکرار می‌شوند و در مقابل بسیاری از داستان‌های قابل اعتنا و شخصیت‌های مؤثر برای همیشه جایی در تولیدات سینمایی وطنی ندارند. این تاریخ سینماست که بسیاری از فیلم‌نامه‌ها در دفاتر تولید خصوصی و دولتی و ارگانی تهران به این دلیل به مرحله تولید نمی‌رسند که صحنه‌های مشترکی از فیلم‌های موفق قبلی ندارند. این روانشناسی است که تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و مسئولان درک و دریافتشان برای هر پروژه تازه‌ای براساس میزان موفقیت و شکست فیلم قبلی است و این باید بخشی از جامعه‌شناسی محسوب شود که تماشاگران ایران از فیلم‌های ایرانی داستان‌هایی مطابق الگوهای پیش ساخته می‌خواهند. برای نمونه در سینمای ایران صحنه‌های نشان کردن، بله‌برون، شیرینی خوردن، خواستگاری، عقد کردن، حناپندان، عروسی، پانختی و پاک‌شایی و هر صحنه‌ای که مربوط به این تشکیلات خانوادگی است، در فیلم‌ها بدون در نظر گرفتن امکانات داستان و ظرفیت شخصیت‌ها ترویج و توصیه می‌شود. این صحنه‌ها از قدیم در سینمای ایران عکس خود و ویرترین ساز تلقی می‌شدند. براساس سنتی که تهیه‌کنندگان برای ترویج فیلم‌شان در مراحل پس از تولید دارند عکس‌هایی از صحنه‌های عاطفی و زد و خورد فیلم را به دیوار دفترشان نصب می‌کردند تا سینماداران را به پیش خرید اکران فیلم‌ها ترغیب کنند. در میان این عکس‌ها حتما تصویری از نشست جوان اول فیلم و بازیگر زن نقش یک، کنار سفره عقد لحاظ می‌شد، حتی اگر فیلم چنین صحنه‌ای نداشت. با چنین سابقه‌ای اگر فیلم‌نامه‌ای همچنانگی براساس الگوی داستان‌های گروگان‌گیری به صاحب سرمایه و تهیه‌کننده و تصمیم‌گیری ارائه شود، بدون شک ذهنش دنبال آخرین فیلم پرفروشی می‌رود که با این الگو ساخته شده و یاد فیلم «آژانس شیشه‌ای» (۱۳۷۷/۱۳۷۷) ابراهیم حاتمی کیا) و «بعد از ظهر سگی سگی» (۱۳۸۸/۱۳۸۸) مصطفی کیایی) می‌افتد؛ ۲ فیلم جدی و کم‌دی با الگوی گروگان‌گیری گیشه قابل قبول و موفق جشنواره‌ای هم رقم زده‌اند. پس باید برای چنین پروژه‌ای شانس زیادی برای تولید در نظر گرفت. اما تاریخ سینما می‌گوید قضیه ویرترین مهم‌تر از تعقل است. فیلم‌نامه هر قدر خوب، فیلم‌نامه‌نویس هر قدر معقول و کارگردان هر قدر باتجربه باشد باز برای سرنوشت‌سازان این پروژه بعد از گرفت و گیرهایی مثل نیروی انتظامی و پروانه ساخت و نمایش و ممیزی، به ذهنشان این سؤال می‌رسد که: «پس عروسیش کو؟»



سروش صحت با صبحانه برای زرافه‌ها چراغ جشنواره را روشن کرد

رفاقت و بخشش
روشنایی و امید

زندگی به این شکل باشد.

پایان، همیشه تلخ است

پایان اجتناب‌ناپذیر و همیشه هم تلخ است. پایان این فیلم تلخ نیست، کلا پایان تلخ است. کدام پایانی را در زندگی سراغ دارید که شیرین باشد؟ با وجود این پایان «صبحانه با زرافه‌ها» تلخ نیست.

این فیلم برآمده از اعتقادات من است. «صبحانه با زرافه‌ها» در ترویج دوستی است. می‌دانم که همیشه نمی‌توانیم بخشش داشته باشیم، اما اگر به آن دقت کنیم می‌بینیم که با بخشش زندگی بهتر می‌شود. شاید چون آدم پراشتباهی هستم، می‌خواهم که بخشش هم ترویج پیدا کند.

روشنایی و امید

فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» درونمایه‌اش بخشش، روشنی و امید است. به نظر من خوب است که در زندگی به‌عنوان تنها چیزی که در مشت ماست، لوکیشن‌هایی را انتخاب کنیم که هم روح داشته باشند و هم لانگ شات.

رفاقت و بخشش

رفاقت و بخشش ۲ موضوعی است که برای من همیشه مورد توجه بوده‌اند. ما ۱۳ ایده اولیه داشتیم که شامل رفاقت چند آقا، چند زن و یکی هم داستانی در ۲ بخش با رقابت چند آقا و چند خانم می‌شد که فعلا شرایط ساخت این یکی مهیا شده و امیدوارم ۱۲ داستان دیگر را هم بتوانم بسازم. برای همه ما ۱۰ دقیقه آخر فیلم جایی جدا از ۹۰ دقیقه دیگر دارد و بسیار مهم بود. من می‌دانم همه چیز را نمی‌توانیم ببخشیم، ولی اگر یکسری چیزها را در زندگی شخصی، روابط و... ببخشیم، زندگی هم بهتر خواهد شد. امیدوارم شعار نداده باشم، ولی دوست دارم

در سومین روز برگزاری جشنواره، سرانجام یک فیلم به نمایش درآمد که در مورد کیفیت قابل اعتنائش توافق جمعی وجود داشت. در غیبت بازیگران پر تعداد «صبحانه با زرافه‌ها»، سروش صحت به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد. بامداد یکشنبه ۱۵ بهمن ماه پس از رونمایی از فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» که با استقبال خوب تماشاگران سینمای رسانه جشنواره فیلم فجر در برج میلاد همراه بود، سروش صحت، کارگردان این فیلم گفت: من آدم خیلی خوش‌شانسی هستم که این سوپرستارها برای من بازی کرده‌اند و چقدر باعث افتخار بود برای من که توانستم همه عوامل این فیلم را در کنارم داشته باشم.

«قلب رقه» ودشواری‌های فیلمبرداری در سوریه

عوامل سازنده «قلب رقه» در نشست خبری برج میلاد به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند



در بخشی دیگر از این نشست بازیگران فیلم صحبت‌هایی را درباره سختی تولید این فیلم مطرح کردند. محمدرضا شریفی‌نیا گفت: من خیلی کار کرده‌ام، اما قلب رقه از آن کارهای سخت بود؛ البته شاید هم من دیگر پیر شده‌ام. شادی مختاری هم گفت: نقشم در این فیلم نسبت به کارهای قبلی خودم بسیار متفاوت بود؛ به‌خصوص چالش یادگیری زبان عربی و گویش سوری که سخت بود. گریم، پوشش و فیلمبرداری در سوریه هم سختی‌های خودش را داشت. هدایت هاشمی نیز با بیان اینکه «قلب رقه» فیلم سختی بود، گفت: ساخت فیلم اکشن و جنگی به‌جز مساعدت و همدلی ارگان‌های مختلف به توانایی گروه سازنده هم بستگی دارد. از آنجایی که من همیشه دوست دارم کارهای متفاوتی بازی کنم، با افتخار با این فیلم همراه شدم. مصطفی ساسانی، یکی دیگر از بازیگران این فیلم گفت: قسه من کمی با دوستان دیگر متفاوت بود و برای لهجه مریب خصوصی گرفته بودم و سعی می‌کردم یکسری عادت‌ها مانند ریتم تند در دیالوگ گفتن را کنار بگذارم. یک بخش سخت کار جغرافیا بود؛ زیرا ما در آنجا ویرانی زیادی می‌دیدیم و صحنه‌های آخر زمانی وجود داشت و باورمان نمی‌شد که یک کشور می‌تواند تا این حد ویران شود. یک چالش دیگر هم موتورسواری بود که در یک صحنه حتی نزدیک بود کشته شوم.

در سومین روز جشنواره، فیلم «قلب رقه» به کارگردانی خیرالله تقیانی پور که به مبارزه با داعش اشاره دارد، به نمایش درآمد و بعد نشست خبری فیلم برگزار شد که بیشتر عوامل اصلی از جمله سعید پروینی (تهیه‌کننده)، خیرالله تقیانی پور (کارگردان)، داوود محمدی (مدیر فیلمبرداری)، بهنام جعفری طادی (طراح صحنه)، احسان رناسی (طراح چهره پردازی)، مهدی سعدی (تدوینگر)، محمود بیاتی (طراح لباس) و محمدرضا شریفی‌نیا، هدایت هاشمی، شادی مختاری، عبدالرضا نصاری، مصطفی ساسانی (بازیگر) حضور داشتند. در این نشست پروینی درباره اینکه آیا «قلب رقه» درباره شهید سیدرضی موسی است، گفت: این فیلم کلاژی از قصه‌های واقعی بود. شهید سیدرضی در تولید این اثر خیلی به ما کمک کردند. بعد از شهادتشان قرار شد که این فیلم را به ایشان تقدیم کنیم، اما این فیلم درباره زندگی شهید نبود. او همچنین گفت، جلوه‌های ویژه فیلم همچنان ادامه خواهد داشت. خیرالله تقیانی پور نیز در پاسخ به اینکه چقدر از انفجارها جلوه‌های ویژه بود، توضیح داد: به هر حال هم در تهران و هم در سوریه فیلمبرداری داشتیم و مجبور بودیم لانگ شات‌ها و برخی از صحنه‌های بسته را در سوریه و صحنه‌های بسته بسیاری را در ایران تهیه کنیم. حدود ۱۵ درصد از صحنه‌های اکشن جلوه‌های ویژه بود.